

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۲/۱۳

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۶/۲۸

محمدرضا عمادی^۱، محمدتقی آشوری^۲، اصغر کفشچیان^۳

نقش عملکردی ابعاد شکلی و محتوایی دیوارنگاره ها در تداوم بخشی به هویت در منظر شهری اصفهان^۴

چکیده

یکی از شیوه های مرسوم در اجرای دیوارنگارها اقتباس یا مثنی سازی از دیگر آثار است که بنا به مشاهدات عینی از گذشته تا کنون در مکان ها و فضاهای عمومی بافت تاریخی اصفهان به منظور تداوم بخشی به هویت منظر شهری رواج داشته است. از این رو هدف اصلی در این تحقیق، سنجش میزان انطباق پذیری ابعاد شکلی و محتوایی دیوارنگاره ها با نمونه هایی از این دسته آثار، متناسب با ویژگی های بافت تاریخی است. بدین منظور با توجه به نظریه های مرتبط با هویت در منظر شهری، مهمترین شاخصه های تاثیرگذار در این زمینه با روش ترامنتی مورد واکاوی قرار گرفته است. بنابراین، سؤالات اصلی تحقیق مبنی بر این است که در مرتبه اول، نقش عملکردی ابعاد شکلی و محتوایی دیوارنگاره ها در تداوم بخشی به هویت در منظر شهری چگونه است؟ و در مرتبه دوم، موثرترین شاخصه ها در شکل گیری این ابعاد در رابطه ای ترامنتی کدامست؟ بدین جهت با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و مقایسه ابعاد مذکور با نمونه های پیش متنی به چگونگی این روابط در کالبد منظر شهری پرداخته شده است. در نهایت یافته های تحقیق حاکی از وجود تعارضاتی در میزان انطباق پذیری ابعاد کالبدی و متغیرهایی مرتبط با عناصر و کیفیات بصری همچون شکل، بافت، رنگ و نحوه ادراک محتوایی آنها در دیوارنگاره هایی است که در دوره کنونی طراحی و اجرا شده است. بنابراین از این یک سو، عدم توجه به مبانی حاکم بر پیشینه این دسته از آثار در رابطه ای ترامنتی و وجود ناهماهنگی هایی در متغیرهای مذکور، ناهنجاری هایی را خصوصاً در ابعاد شکلی، سبکی، موضوعی، مضمونی و محتوایی در هویت بخشی به منظر شهری فراهم آورده اند؛ از سوی دیگر در ارتباط با کالبد مکانی، موجبات بر هم خوردن نسبت درون مایه با مکان، خنثی شدن جلوه های معنایی در درون مایه و عدم انطباق پذیری با کاربری مکان و همچنین گسست در توالی تصویری در نسبت با مرکزیت بافت تاریخی را باعث گردیده اند.

کلیدواژه‌ها: بافت تاریخی اصفهان، هنر دیوارنگاری، ابعاد شکلی و محتوایی، هویت‌مندی منظر شهری، ترامنتیت

۱. دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشگاه هنر، استان تهران، شهر تهران

E-mail: m.emadi1967@gmail.com

۲. دانشیار گروه آموزشی پژوهش هنر، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر، استان تهران، شهر تهران (نویسنده مسئول)

E-mail: taghi.ashouri@gmail.com

۳. استادیار دانشکده هنرهای تجسمی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، استان تهران، شهر تهران

E-mail: kafshchi@ut.ac.ir

۴. این مقاله مستخرج از پایان نامه دکتری پژوهش هنر با عنوان «جایگاه هنر دیوارنگاری در فضاهای عمومی شهر تاریخی اصفهان (از نظر بینامتنی، بینافرهنگی)» به راهنمایی دکتر محمدتقی آشوری و مشاوره دکتر اصغر کفشچیان مقدم در دانشگاه هنر است

مقدمه

شهر اصفهان دارای پیشینه ارزشمندی از آثار دیوارنگاری با سبک ها و شیوه های گوناگون است که از دوره های گذشته در فضاهای عمومی و خصوصی از جمله کاخ ها، مساجد، تکایا، حمام ها، گذرها و خانه ها تاریخی برجای مانده است. اکثر این دیوارنگاره ها با الهام از شیوه های هنرهای سنتی، خصوصاً هنر نگارگری ایرانی - اسلامی اجرا گردیده و هنرمندان با مثنی سازی و اقتباس از این دسته آثار، هنر دیوارنگاری را از گذشته تا کنون رونق بخشیده اند. نکته قابل توجه در این خصوص، میزان انطباق پذیری شکلی و محتوایی دیوارنگاره های برگرفته شده از موقعیت مکانی و بازنمود آنها در منظر شهری است. به همین جهت است که مطالعه ابعاد کالبدی و ادراکی در پیشینه هنر دیوارنگاری و چگونگی بهره مندی از آنها منجر به تبیین مبانی حاکم بر این دسته از آثار شده و نقشی مؤثر در شکل گیری آنها در هویت بخشی به منظر شهری خواهد داشت؛ چراکه بافت های تاریخی در عرصه فضاهای شهری از رابطه به هم پیوسته ای برخوردار بوده و گسست شکلی و محتوایی عناصر تشکیل دهنده اش همچون دیوارنگاره ها می تواند موجبات تقلیل ارزش های بصری و ادراکی را در هویت مندی مکان و فضای شهری باعث گردد.

بدین منظور در این تحقیق با بهره مندی از شیوه ترامتنیت [۱] در دو گرایش مرتبط همچون بینامتنیت [۲] و بیش متنیت [۳]، متغیرهای مرتبط در این زمینه با تحلیل نمونه هایی از پیشینه دیوارنگاره ها تحت عنوان پیش متن ها از مجموعه بافت تاریخی و مقایسه نمونه هایی از دوره کنونی به شاخصه هایی اشاره می گردد که موجبات این عدم انطباق پذیری را فراهم آورده اند. از این رو به دلیل ارتباط چند وجهی این آثار با مخاطب و نحوه ادراک او از دیوارنگاره در ارتباط با مکان و فضای شهری با بهره مندی از نظریه های مرتبط با منظر شهری و چگونگی ادراک حس مکان در تحلیل موضوع استفاده شده است. بدین ترتیب، در این تحقیق، هدف اصلی، مطالعه شاخصه هایی است که میزان انطباق پذیری این دسته از دیوارنگاره ها را با موقعیت مکانی در ابعاد کالبدی و ادراکی فضای شهری مورد ارزیابی قرار داده و در پی پاسخ به دو سؤال اصلی است. اول اینکه نقش عملکردی ابعاد شکلی و محتوایی دیوارنگاره ها در تداوم بخشی به هویت در منظر شهری چگونه است؟ و در مرتبه دوم، موثرترین شاخصه ها در شکل گیری این ابعاد در رابطه ای ترامتنی کدامست؟ که به عبارتی به میزان هویت مندی ابعاد کمی و کیفی این دسته از دیوارنگاره ها در ارتباط با ساختار کالبدی مکان و درون مایه متناسب با آن در بافتی تاریخی توجه دارند.

روش تحقیق

روش این پژوهش از نظر هدف کاربردی است که با توجه به ماهیت موضوع از روش های توصیفی - تحلیلی و مقایسه ای استفاده شده است لیکن از جهت نوع، وجهی کیفی دارد. به همین جهت با مقایسه نمونه هایی از دیوارنگاره های گذشته با دوره کنونی به میزان انطباق پذیری آنها با موقعیت مکانی در عرصه فضاهای عمومی شهری در بافت تاریخی اصفهان می پردازد. بر این اساس، حجم نمونه ها نیز بر مبنای آخرین آثار اجرا شده در ۵ سال اخیر به شیوه سنتی یا غیرسنتی و نمونه هایی از پیش متن ها با توجه به تعدادی از دیوارنگاره ها در محدوده مکانی تحت مطالعه یعنی بافت قدیم و جدید است. بدین منظور از بین تصاویر عکاسی شده، متناسب با شاخصه ها و متغیرهای فرم و نقش: ۱ جدول، شامل ۵ دیوارنگاره مثنی سازی یا اقتباس شده

و ۱ جدول، شام ۵ نگاره و تصویر - شاخصه بافت: ۱ جدول، شامل ۴ تصویر از پیش متن ها و ۱ جدول، شامل ۳ تصویر از آخرین دیوارنگاره های اجرا شده با شیوه نوین و طبیعت سازی - شاخصه رنگ: ۱ جدول، شامل ۱ نمونه پیش متنی و ۱ جدول، شامل ۱ نمونه از آخرین نمونه های اجرا شده با شیوه نوین که با رویکردی ترامتنی (بیش متنیت و بینامتنیت) مورد تحلیل و واکاوی در ابعاد شکلی و محتوایی قرار گرفته اند.

پیشینه تحقیق

پیشینه پژوهش برگرفته از تحقیقات پژوهشی، تالیفی، پایان نامه ای و مجموعه مقالاتی است که عبارتند از: پایان نامه دکترای پژوهش هنر، سال (۱۳۹۰) دانشگاه شاهد تهران با عنوان تبیین مبانی دیوارنگاری شهری ایران معاصر، دانشجو سید محسن علوی نژاد که طی چهار فصل مبانی حاکم بر هنر دیوارنگاری دوره کنونی در مقایسه با پیشینه آن در هنر ایران مورد بررسی قرار گرفته است. طرح پژوهشی با عنوان: دیوارنگاره های شهر تهران؛ بایدها و نبایدها، مجری رضا خدادادی سال (۱۳۹۲) به سفارش سازمان زیباسازی شهر تهران و همکاری دانشگاه هنر با هدف تدوین ضوابط و مقررات دیوارنگاری در شهر به روش تحقیق ترکیبی که ضمن بررسی اهداف و رویکردهای دیوارنگاری به تحلیل و آسیب شناسی دیوارنگاه های شهر تهران پرداخته است. طرح پژوهشی، با عنوان بررسی نقاشیهای دیواری و آثار حجمی در فضای تاریخی شهر اصفهان، مجری محمدرضا عمادی، سال (۱۳۸۶) به سفارش معاونت پژوهشی دانشگاه هنر اصفهان، که در بخش دیوارنگاره ها با بررسی آماری به سنجش میزان رضایت مندی شهروندان در ارتباط با وضعیت کنونی دیوارنگاره ها در شهر اصفهان توجه شده است. مقاله: میزان علاقمندی شهروندان اصفهانی در بکارگیری عناصر هنرهای سنتی در بدنه سازی های شهری با رویکرد تقویت حس مکان، نویسنده محمدرضا عمادی و دیگران (۱۳۹۴)، ارائه در سومین کنگره بین المللی عمران، معماری و توسعه شهری. مقاله: بررسی ویژگی های نقاشی دیواری، نویسنده دکتر اصغر کفشچیان مقدم، سال (۱۳۸۵). مجموعه مقالات هفتمین هم اندیشی نشانه شناسی مکان، سال (۱۳۹۰) به کوشش دکتر فرهاد ساسانی که در این مجموعه، مقاله حمیدرضا شعیری با عنوان: نوع شناسی مکان و نقش آن در تولید و تهدید معنا که به تقابل و تعامل وحدت و کثرت در نوع شناسی مکان توجه دارد، مجموعه مقالات دیوارنگاری شهری، سال (۱۳۹۳)، گردآوری شده از دکتر اصغر کفشچیان مقدم که در این کتاب مطابق با موضوع می توان به مقالاتی همچون بررسی و تحلیل نقاشی دیواری از دکتر ایرج اسکندری، مقاله جستاری در نقاشی و تأثیر آن در شهرسازی، گرافیک محیطی تصویر جامعه از امیر عبدالحسینی، مقاله آسیب شناسی دیوارنگاری های شهری تهران در تعامل با فضای تصویری تاکید نمود. همچنین کتاب تأثیر اجتماعی نقاشی های دیواری در فضاهای شهری، نویسنده ستاره نرونی سال (۱۳۹۳) اشاره داشت. در این ارتباط می توان به مجموعه مقالات و کتاب هایی در زمینه ویژگی های منظر و هویت شهری نیز پرداخت که در برخی از مهمترین آنها در فهرست منابع ذکر شده است. از این رو با بهره مندی از نتایج تحقیقات مذکور که به مبانی حاکم بر هنر دیوارنگاری در فضای شهری تاکید دارند؛ تحقیق حاضر در پی تحلیل ابعاد کالبدی و ادراکی این دسته از آثار بصورت تأمان در ارتباط با مکان و موقعیت قرار گیری آنها در فضای شهری و بافت تاریخی اصفهان می باشد.

مبانی نظری تحقیق

مفهوم هویت در منظر شهری از جمله مقوله های مطرح در دوره معاصر است که پس از تجربه های مدرن در پی هویت زدایی، زمینه های شکل گیری نظریه هایی را در ابعاد کالبدی و ادراکی منظر شهری بوجود آورده است. چراکه شهر از این دیدگاه در واقع، مکان عرضه تفکرات جامعه در دنیای بیرونی است و به معنایی دیگر بستری برای شکل گیری حیات مدنی است (Carmona, 2006, 11). از این رو صاحب نظرانی از نیمه دوم قرن بیستم به طور مشخص به مباحث مرتبط با مکان و هویت مکانی و نحوه ادراک مخاطب از حس مکان در تعامل با عرصه های عمومی شهری پرداخته اند که به برخی از آنها همراه با دیدگاه مورد نظرشان مختصراً اشاره می گردد. لینچ [۴] ایل یارد [۵] جکسون [۶] ونتوری [۷] برانسکیل [۸] ولف [۹] که در طول سالهای ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۰ به ویژگی های کیفی فضا و نحوه ادراک مخاطب از تصاویر ذهنیشان در فضاهای شهری تاکید داشتند. همچنین می توان به دیگر صاحب نظرانی همچون راپاپورت [۱۰] آلمن [۱۱] مور [۱۲] شولتز [۱۳] وایت [۱۴] هیس [۱۵] رلف [۱۶] در طول سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۰ در این زمینه تاکید نمود (Cuthbert, 2006: 253). در این ارتباط شولتز از جمله نظریه پردازانی است که مکان را محلی برای مطالعه رویدادها و حوادثی می داند که مجموعه ای از رخدادها، شکل ها، رنگ ها و بافت ها شخصیت و هویت آن را شکل می دهند. او ارتباطی را بین معماری، مکان و هویت فرهنگی برقرار می کند و معتقد است تجربه مکان، تجربه معنای مکان است (Schulz, 1981). به همین جهت در این تحقیق با بهره مندی از این جایگاه نظری و مؤلفه های ذکر شده، همچون شکل، بافت و رنگ که از جمله عوامل هویت بخش در ایجاد حس مکان از بعد ادراکی و هم کالبدی در عناصر تشکیل دهنده منظر شهری همانند دیوارنگاره ها می باشد؛ همچنین با بهره مندی از روش ترامنتیت و به طور اخص بینامنتیت و بیش منتیت به تحلیل متغیرهای آنها در دیوارنگاره های شهری پرداخته شده است.

ادبیات تحقیق

دیوارنگاره / دیوارنگاری:

واژگان دیوارنگاره و دیوارنگاری به ترتیب هر یک به اثر و فرایند تولید اثر دلالت دارند. این واژه از جمله واژه هایی است که در چند ساله اخیر به جمع واژگان تخصصی هنر اضافه شده و معادل نقاشی دیواری و حتی تزئینات دیواری است. چراکه در تعریف این واژه، اصالت فقط به مواد و مصالح و شیوه اجرا نبوده و وجه بیانی و تعاملی آن با مکان و مخاطب در اولویت می باشد. هرچند که در منابع و دایره المعارف های فارسی، به لحاظ معنا و محتوا دیوارنگاری، نقاشی دیواری و دیوارنگاره، معادل واژگان "mural painting"، "wall painting"، "mural" در زبان لاتین تعریف شده است (علوی نژاد، ۱۳۸۷، ۲۰). لیکن برای تعریف نقاشی دیواری در فرهنگ ها و دایره المعارف های هنر، معانی متفاوتی ذکر شده از جمله در دایره المعارف بریتانیا که با نگاهی کامل تر چنین بیان می کند: نوعی از نقاشی است که برای تزئینات روی دیوارها و سقف بنا بکار می رود و ویژگی های آن را چنین توصیف نموده است. « عناصر اثر دیواری اغلب فرم هایی هستند که با معماری هماهنگی و پیوستگی داشته و خاصاً رنگ در آن همانند موضوع رابطه ای پنهان و حسی با تناسبات معماری دارد. بدین شکل این نوع نقاشی را می توان تنها نقاشی سه بعدی نامید که سعی در هماهنگی با فضایی دارد که در آن قرار می گیرد. ویژگی عمده آن غیر از رابطه تنگاتنگ

با معماری ارتباط وسیع و همگانی آن است» (کفشچیان مقدم، ۱۳۸۳، ۶۹). از تعاریف ذکر شده می توان به رابطه دیوارنگاره با مکان و مخاطب در شکل بخشی به هویت در منظر شهری پی برد که برای فهم بیشتر موضوع به تعاریف و مفاهیمی در این ارتباط می پردازیم.

دیوارنگاره ها و هویت مکان در منظر شهری

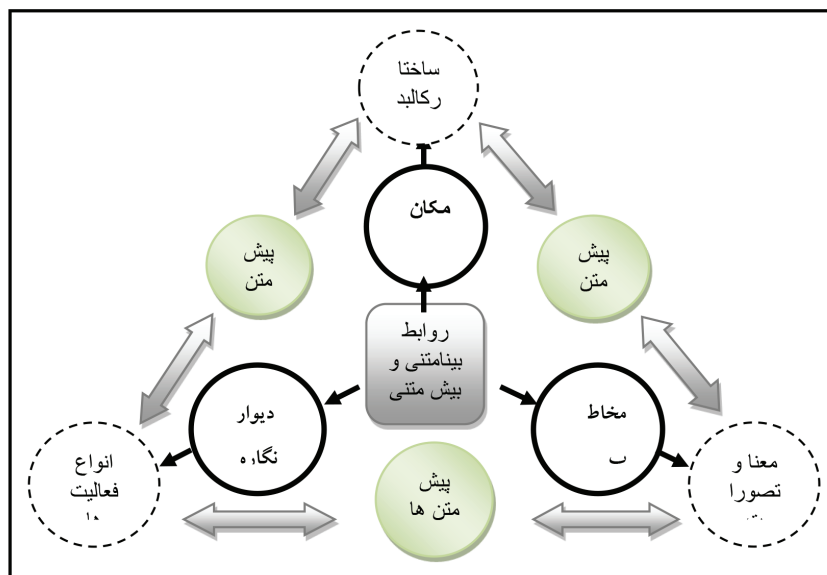
واژه «هویت» و «مکان» از جمله واژگانی هستند که از دیدگاه صاحب نظران از اهمیت ویژه ای در ابعاد کالبدی و ادراکی منظر شهری خصوصاً در شهرهای تاریخی برخوردار می باشند. واژه هویت که از لفظ «هو» اخذ شده اشاره به غایت است (دهخدا، ۱۳۷۲، ۵۹۰۸)؛ همچنین فرهنگ فارسی معین در تعریف هویت آن را ذات باری تعالی، هستی و وجود و آنچه موجب شناسایی شخص باشد معرفی کرده است (معین، ۱۳۷۱، ۵۲۲۸). اما در فرهنگ لغت آکسفورد، هویت «identity» به معنی آنچه که کسی یا چیزی هست، همان بودن مبحثی در مورد چیستی پدیده است. (Oxford, 2007, 770). بدین دلیل که فرآیند احراز هویت یک پدیده در انسان، فرآیندی قانونمند و حاصل توافق بین فرد و پدیده مورد ارزیابی است و در آن فرد تصویر ذهنی خود را از یک عینیت با عینیت موجود تطبیق و این فرآیند قیاسی را مبنای تشخیص هویت پدیده قرار می دهد (پاکزاد، ۱۳۸۵، ۱۰۰). برخی نیز هویت را الگوهای رفتاری منحصر به فردی می دانند که سرچشمه معنا و تجربه برای مردم است (کاستلز، ۲۲، ۱۳۸۰) و بر این اساس برای مردمی که از زمینه فرهنگی دیگری هستند بیگانه می نماید (گیدنز، ۵۶، ۱۳۷۹). یکی از عوامل شکل گیری فرایند ادراکی و ذهنی در تشخیص هویت، مکان و روابط بینامتنی آن است؛ چراکه مفهوم مکان نیز در این جایگاه دارای ابعادی گسترده است. مکان جایی است با مشخصات فیزیکی و مادی که محدوده و مرز آن از راه احساسات ناظر و بیننده، تعیین می شود (هاگت، ۱۳۷۳، ۱۶). بنابراین مفهوم واژه مکان در حوزه مطالعات شهری به رابطه محیط با رفتار اشاره داشته و دو عامل عمده، یعنی مردم و فضا را هسته اصلی مطالعات در این زمینه می داند (Caves, 2005, 350).

دیوارنگاره ها در ابعاد کالبدی و ادراکی

همان گونه که ذکر گردید از جمله عوامل کالبدی در ارتباط با دیوارنگاره، محیط پیرامونی و موقعیت مکانی آن می باشد که در حجم وسیع تر، فضای شهری را در رابطه ای بینامتنی در بر می گیرد. نحوه شکل بخشی به محیط و فضای شهری و توجه به وحدت و انسجام دیوارنگاره ها با محیط پیرامونی از جمله عوامل قابل ذکر در درک ابعاد کالبدی فضا است که پیوستگی و تباین درونی و بیرونی را در عرصه های عمومی باعث می گردد. چراکه «فضا به یاری تجسم و تصویری که ناظر از وسعت و حدود فضا و احساس حرکت در آن پیدا می کند ادراک می شود. اگر در فضایی از نظر بصری کشش وجود داشته باشد و یا به عبارتی اگر فضا واجد جذبه بصری باشد احساس حرکت ناظر در فضا و ادراک بصری وی کاملاً در هم می آمیزد. ناظر در حرکت خود تحت تاثیر و هدایت حد مرز ترکیب سه بعدی فضا و خطوط ساختاری آن قرار می گیرد. عرصه های عمومی شهر دارای ساختاری می گردد که این ساختار سامان یافته، آراسته و واجد نظم بوده که به عنوان کالبدی برای فعالیت های انسان بر قواعد معین و روشنی استوار است» (حبیبی، ۱۳۷۸، ۱۳- به نقل از (Zucker, 1959)).

بنابراین با توجه به مطالب ذکر شده می توان بر طبق نمودار ۱، مدلی را طراحی نمود که

دیوارنگاره‌ها را به مثابه یک متن غیر کلامی در تعامل با مکان و در کنار دیگر عناصر شهری همچون مخاطبین اصلی آنها یعنی شهروندان قرار داده و جایگاه آنان را در گرو این تعامل سه وجهی جستجو نماید. در این صورت، متن مذکور از مجموعه‌ای از عناصر بصری تشکیل می‌شود که همچون شکل، فرم، بافت، رنگ، در کنار کیفیات دیگری از فضا و مکان همچون وحدت، هماهنگی، پیوستگی و تداوم و در ترکیب با نمادها و نشانه‌ها در رابطه‌ای پیش‌متنی قابلیت خوانایی می‌یابد. خوانشی که به توسط ادراک مخاطب از تصوراتی که از عناصر مذکور دارد همراه با خاطرات ذهنی او تجسم یافته و موجبات هویت بخشی منظر شهری را موجب می‌گردد.



نمودار ۱. مدل تعاملی بین دیوارنگاره، مخاطب و مکان در هویت بخشی به منظر شهری، منبع نگارندگان

بر این اساس در رابطه با ابعاد شکلی و محتوایی دیوارنگاره‌ها به عنوان عنصری از عناصر شهری و چگونگی شکل‌گیری احساس ناظر در حضور در مکان و فضای شهری، حسی از مکان در او شکل می‌گیرد که در نظرات «رلف» این‌گونه بدان اشاره شده: یکی از مؤثرترین عوامل شکل‌گیری هویت مندی مکان تصویرهای ذهنی و خاطراتی است که باید در تجربه‌های انسان‌ها از مکان جستجو نمود. او سه شاخصه اصلی را در این زمینه، یکی در ساختار فیزیکی و دومی را در نوع فعالیت‌ها و سومی را در معنایی می‌داند که حسی از مکان را در مردم ایجاد می‌نمایند (Carmona, 2006, 99). این حس به معنای ادراک ذهنی مخاطب از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه او از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌دهد؛ به طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی پیوند می‌خورد و یکپارچه می‌شود. این حس عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌گردد. (فلاح، ۱۳۸۵، ۵۷). چراکه کیفیت چگونگی یک پدیده است که تأثیر عاطفی و عقلانی خاص بر انسان می‌گذارد (پاکزاد، ۱۳۸۵، ۸۷). بدین سان می‌توان در کنار تأثیرات عاطفی و ادراکی، نظام و کیفیت عناصر بصری را نیز به نوعی در ارتباط و انتظام حاکم بر اجزا و قسمت‌های مختلف عرصه‌های کالبدی-بصری شهری قرار داد (نکات، ۱۳۸۵، ۳۷). در ادامه، بنا به مبانی نظری تحقیق و با تأکید بر نظریه شولتز که مهمترین شاخصه‌های ایجاد

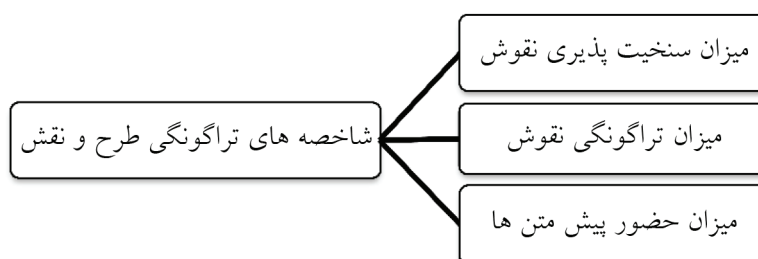
حس و هویت مندی مکانی را در فضا و منظر شهری با توجه به عواملی همچون رخدادهای، شکل ها، رنگ ها و بافت ها مورد بررسی قرار داده است؛ به وجوه کالبدی و ادراکی این عوامل پرداخته خواهد شد. وجوهی که در شکل بخشی به عناصر و کیفیات بصری دیوارنگاره ها و در سنجش میزان انطباق پذیری ابعاد شکلی و محتوایی آنها در هویت بخشیدن به منظر شهری از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشند.

شاخصه های سنخیت پذیری عناصر و کیفیات بصری دیوارنگاره ها با مکان و فضاهای عمومی شهری

۱- شاخصه های سنخیت پذیری اشکال، نقوش و درون مایه دیوارنگاره ها

توجه در نحوه کاربری مکان با دیوارنگاره در طراحی اشکال و نقوش به منظور بیان محتوایی اثر از جمله عواملی است که در اقتباس یا مثنی سازی به عنوان شاخصی بر سنجش کمی و کیفی این دسته از آثار در نظر گرفته می شود. از این منظر دیوارنگاره هایی که با شیوه مثنی سازی اجرا می گردند لزوماً می بایستی شرایط حاکم بر اثر را در ابعاد ذکر شده رعایت نمایند تا نقوش و اشکال و عناصر بصری و تصویری، بخوبی قادر به ایفای کارکرد نقش خود در موقعیت مکانی جدید باشند. اما دیوارنگاره هایی که با اقتباس و تغییراتی در اصل اثر اجرا می گردند می بایست میزان تغییرات انجام شده، مطابق با متغیرهایی باشد که علی رغم کاهش، افزایش، جابجایی، حذف و ترکیب عناصر پیش متنی، همچنان در ترکیبی هماهنگ بتوانند در ارتباط با موقعیت مکانی به تداوم بخشی هویت منظر شهری کمک نموده و نقشی وحدت بخش داشته باشند. دیوارنگاره هایی که بنا بر این اصل، طراحی گردند با گذشت زمان نیز همچنان ثابت و ماندگار و چون عنصری از مکان تلقی می گردند؛ چراکه به دلیل تداوم بخشی عناصر شکلی و محتوایی دیوارنگاره با مکان و فضای شهری این دسته از آثار به مرور زمان در ارتباط با مکان، حسی از تعلق مکانی ایجاد نموده و در این صورت، رابطه چند وجهی بین مکان، مخاطب و دیوارنگاره به تدریج حاصل خواهد شد.

بنابراین فرایند شکل گیری نقوش، اشکال و فرم ها در هویت بخشیدن به مکان منوط به چگونگی میزان سنخیت پذیری آنها با کاربری مکان و موقعیت قرارگیری اثر در هماهنگ بخشی به مجموعه فضای شهری است. از این روست که کالبد شکلی مکان، صرفاً منحصر به ابعاد و اندازه و حجم فیزیکی مکان در چگونگی کاربری^۳ اش نمی شود؛ بلکه مکان در ارتباط با شهر و فضای شهری و وسعتی که آنرا تشکیل می دهد معنا می یابد. درون مایه دیوارنگاره ها نیز در این ارتباط از یک سو به میزان حضور پیش متن ها، تراگونی [۱۷]ها و همانگونی [۱۸]ها در سنخیت پذیری نقوش و اشکال در قالب عناصر و کیفیات بصری و از سوی دیگر به میزان انطباق پذیری با مکان و نحوه ادراک آنها در بهره مندی صحیح از متغیرها بستگی دارند. بنابراین معیار ارتباط موقعیت های مکانی دیوارنگاره ها با یکدیگر در این ارتباط پیش متنی است که در قالب شاخصه های نمودار ۲، قابل ارزشیابی است.



نمودار ۲. شاخصه های تراگونی نقوش دیوارنگاره ها با روش بیش متنی (برگرفتنی)، منبع نگارندگان

در تحلیل شاخص های مذکور به نمونه هایی از دیوارنگاره ها اشاره می شود که با بهره مندی از شیوه بیش متنی (مثنی سازی) در دوره کنونی اجرا شده اند. برای مثال در جدول ۱، می توان به دیوارنگاره ای با عنوان «آئین سستی هند» [۱۹] در فضای داخلی یکی از اطاق های کاخ چهلستون که برگرفته از مراسمی آئینی و عاشقانه است اشاره داشت. در این اثر که متعلق به دوره شاه عباس دوم صفوی است؛ زن هندو را هنگام مراسم آتش تدفین نشان می دهد. این دیوارنگاره در کنار دیوارنگاره های دیگری با مضامین عاشقانه همچون یوسف و زلیخا و خسرو شیرین که برگرفته از فرهنگ ایرانی است نقاشی شده است. گویا دیوارنگاری از این مضامین عاشقانه با تاثیرپذیری از دو فرهنگ متفاوت، در آن زمان و موقعیت مکانی در کاخ چهلستون، نمایشی از مشترکات فرهنگی است که در جهت استحکام روابط فرهنگی و سیاسی آن زمان، بدستور شاه عباس دوم، بنابراین در این دیوارنگاره در انطباق موضوع با مکان رابطه مشخصی وجود دارد که با هدف تاثیرگذاری بر مخاطبان آن صورت گرفته است. از این رو تمامی عوامل شکلی و محتوایی در این اثر در خدمت بیان این موضوع قرار گرفته اند. حال با مقایسه همین اثر با نمونه مثنی سازی شده در بین مجموعه ای از دیوارنگاره ها در بازارچه ای بنام نقش جهان در دوره کنونی، در می یابیم این اثر، علی رغم کیفیت نامناسب در اجرا، در مقایسه با نمونه اصلی، از عدم رابطه موضوعی با موقعیت مکانی که دارای کاربری تجاری است برخوردار است. این در صورتی است که ناهماهنگی هایی نیز در مجموعه دیوارنگاره ها از جهت موضوعی با یکدیگر وجود دارد که به موارد مذکور، همجواری این بازارچه را با مجموعه میدان نقش جهان نیز باید افزود. مجموعه عواملی که در کنار یکدیگر موجبات اغتشاش عینی و ذهنی ناظر را در ادراک منظر شهری فراهم آورده اند. (جدول ۱)

جدول ۱. تطبیق موقعیتی مکانی با نقوش و درون مایه دیوارنگاره ها

توضیحات: دیوارنگاره ای با موضوع آئین سستی، هماهنگ با دیگر آثار در رابطه ای بینامتنی و بینافرهنگی در کاخ چهلستون، شیوه اجرا رنگ و روغن، اندازه تقریبی ۳/۵×۴ متر، دوره شاه عباس دوم	

ادامه جدول ۱. تطبیق موقعیتی مکانی با نقش و درون مایه دیوارنگاره ها

	
عدم هماهنگی دیوارنگاره مثنی سازی از موضوع آئین سنی، با کاربری تجاری بازارچه نقش جهان واقع در خیابان سپاه، شیوه اجرا، کاشی هفت رنگ، اندازه تقریبی ۲×۳/۵، اجرا سال ۸۵	

منبع نگارندگان

در این ارتباط می توان به مجموعه دیگری از دیوارنگاره ها در این بازارچه اشاره نمود که از نظر شکلی و محتوایی به گونه ای ناهمگون در کنار یکدیگر قرار گرفته و در جدول ۲، نمونه هایی از آنها ارائه شده است. دیوارنگاره هایی با تصاویری از موضوعات سوار و شکار، تصاویری با سبک گل و مرغ و تصاویری چهارگانه از چهار بنای اصلی میدان نقش جهان که با اقتباس یا مثنی سازی از دیگر آثار اجرا شده اند. در کنار این تصاویر دیوارنگاره های دیگری با موضوعات بازی چوگان و صحنه های از شاهنامه به همراه تصاویری از دیوارنگاره های مراسم بزم شاهی و مراسم های آئینی از فضای داخلی کاخ چهلستون کپی برداری شده و با شیوه نقاشی کاشی هفت رنگ اجرا شده است. این مجموعه ناهمگون از موضوعات مختلف، ضمن کاستی هایی که در ساختار شکلی و کالبدی آنها وجود دارد دارای ناهماهنگی هایی نیز از بعد ادراکی است که در نمودار ۳ و ۴ به مواردی از آن اشاره شده است.

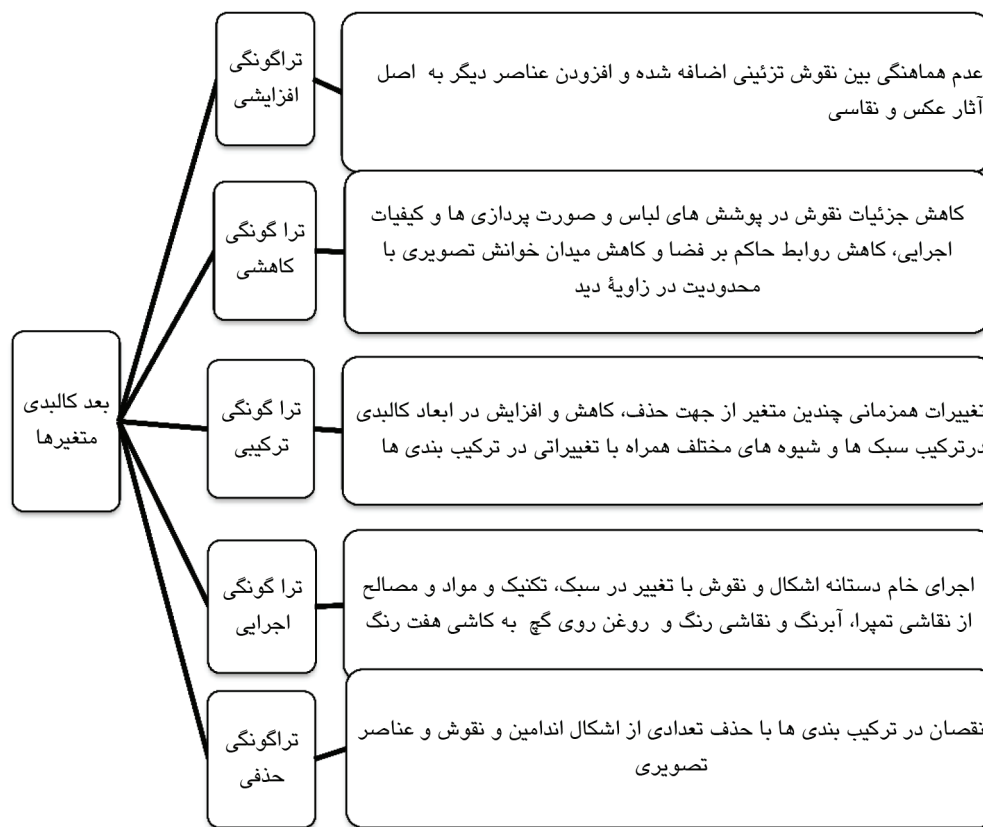
جدول ۲. مجموعه ای از دیوارنگاره های با موضوعات و سبک های مختلف در بازارچه نقش جهان، جنب میدان نقش جهان، اجرا سال ۱۳۸۵

	
تصاویری از چهار بنای اصلی میدان نقش جهان	دیوارنگاره برگرفته شده از تصاویر بناهای میدان نقش جهان، ابعاد تقریبی ۳×۳ متر، شیوه کاشی هفت رنگ

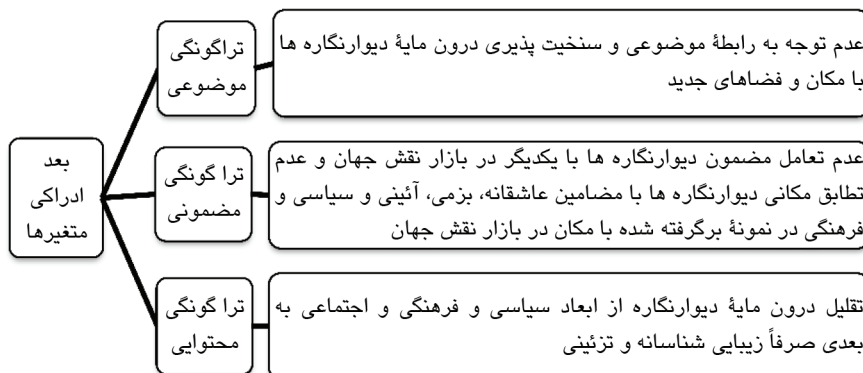
ادامه جدول ۲. مجموعه ای از دیوارنگاره های با موضوعات و سبک های مختلف در بازارچه نقش جهان، جنب میدان نقش جهان، اجرا سال ۱۳۸۵

	
نگاره سهراب و گردآفرید، اثر محمود فرشچیان،	دیوارنگاره برگرفته شده از تصاویر بناهای میدان نقش جهان، ابعاد تقریبی ۳×۳ متر، شیوه کاشی هفت رنگ
	
صحنه پذیرایی از چهلستون، دوره صفویه، رنگ و روغن روی گچ	دیوارنگاره های برگرفته شده، ابعاد تقریبی ۲×۱/۵ متر، شیوه کاشی هفت رنگ
	
نگاره بازی چوگان، اثر محمود فرشچیان	دیوارنگاره برگرفته شده، ابعاد تقریبی ۲×۲/۵ متر، شیوه کاشی هفت رنگ

منبع نگارندگان



نمودار ۳. الگوی تحلیلی متغیرهای کمی دیوارنگاره های برگرفته شده در بازار نقش جهان، منبع نگارندگان



نمودار ۴. الگوی تحلیلی متغیرهای کیفی دیوارنگاره های برگرفته شده در بازار نقش جهان، منبع نگارندگان

در نگاه کلی در می یابیم که بنا بر اصول حاکم بر پیش متن ها که ارتباط کالبد شکلی اثر را با محتوای آن همچون لایه های منطبق بر هم در اجرای یک دیوارنگاره در نظر دارد؛ این اصل شاخص در این برگرفتنی ها و مثنی سازی ها مورد توجه قرار نگرفته است. چراکه این مجموعه گسترده از تراگونی های سبکی، تکنیکی و محتوایی در کنار متغیرهای کمی در صورتی قابل انطباق با موقعیت مکانی و موقعیت قرارگیری است که در این تغییرات انجام شده ناهماهنگی هایی را در کلیت منظر شهری موجب نگردد. از این رو با ابعادی از شکل کالبدی مکان و نقوش شکل گرفته بر دیوارنگاره ها مواجه هستیم که علاوه بر ناهماهنگی های بوجود آمده در محدوده

این بازارچه، موجبات گسست شکلی و محتوایی را با مجموعه تاریخی میدان نقش جهان که در مجاورت آن قرار دارد باعث گردیده است. حاصل این بی دقتی در فرایند برگرفتنی و مثنی سازی، عدم انطباق پذیری جلوه های پیش متنی در نمونه های بیش متنی است که موجبات عدم درک صحیح از حس مکان را در ذهن مخاطب موجب می شود.

۲- شاخصه های سنخیت پذیری بافت در دیوارنگاره ها

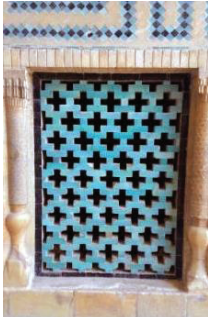
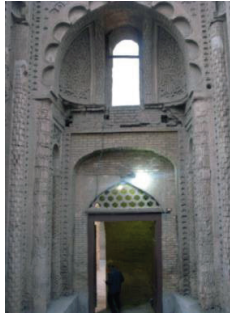
هرچند که بهره مندی از عنصر بافت همانند فرم و نقوش که بطور ملموس با درون مایه در ارتباط است با مثنی سازی کمتر امکان پذیر است؛ لیکن در بررسی پیش متن های دیوارنگاری، عنصر بافت را خصوصاً در شهرهای تاریخی می توان در پیشینه دیوارنگاره ها به حد کمال مشاهده نمود. استفاده از آرایه ها و دیوارنگاره هایی همچون: گچ بری ها، آجرکاری ها، و کاشیکاری ها و ... برای زیبایی سازی منظر شهری به مثابه شیوه هایی موثر در ایجاد بافتی هماهنگ، مرسوم بوده که به فراخور موقعیت مکانی و بافت حاکم بر آن بکار برده می شده است. برای مثال انواع شیوه های کاشیکاری چون معرق کاشی که با برش های قطعات مختلف نقوش بر روی قطعات کاشی، اشکال بی نظیری از بافت را بر سطح بسترهای بنا ایجاد می نمودند. همچنین شیوه های ترکیبی از آجر و کاشی و یا تزئینات گچبری که با تقسیمات هندسی و غیر هندسی نقوش متنوع، بافتی یکدست و همگن را بوجود می آوردند. از این رو در می یابیم که عنصر بافت یکی از عناصر وحدت بخش در شهرهای تاریخی با ویژگی های محیطی است که هم در تک تک اجزا تشکیل دهنده آن و هم در کلیت موقعیت مکانی و فضای شهری، موجبات بافتی همگن را فراهم می آورد.

بنابراین عنصر بافت در ارتباط با آثار دیوارنگاری نیز بسان یکی از عناصر بصری و کیفیت دهنده به اثر تلقی می گردد که دارای دو وجه کالبدی (لمسی) و ادراکی (حسی) است. از این جهت در بررسی کیفیت های بصری در کالبد فضا، وجه بیانی بافت از خصوصیات تاثیرگذار در این مقوله است که در این بخش، با توجه به تاثیرات کالبدی بافت در کنار تاثیرات ادراکی در دیوارنگاری شهری با نگرشی بینامتنی مورد تاکید می باشد. عواملی که در تعامل با پیش متن ها زمینه خوانایی اثر و رابطه آن با بستر و محیط را در جهت شکل بخشیدن به منظر شهری باعث می گردند. تصاویر ارائه شده در جدول ۴، از جمله دیوارنگاره هایی است که در دوره کنونی با الهام از پیش متن های تصویری که در جدول ۳، نمونه هایی از آنها ارائه شده، اجرا گردیده است. این دیوارنگاره هرچند سعی دارد تا با استفاده از عناصر پیش متنی و ذهن آشنا، موجبات ارتباط هر چه بیشتر را در مخاطب ایجاد نماید؛ لیکن بدلیل هماهنگی نچندان موثر در فرم ها آزاد و عناصر برگرفته از هنرهای سنتی در انتقال ارزش های معنایی این عناصر، توفیق چندانی نداشته و صرفاً به اثری در جهت زیبایی سازی محیط، تبدیل شده است.

بنابراین عنصر بافت از جمله عناصر مهم در دیوارنگاری است که اجزاء تشکیل دهنده آن می بایست در رابطه ای چند وجهی انتخاب گردیده و بیانگر ارتباط و تناسب بین لایه هایی از بینامتن های تصویری و بصری باشد. تناسب فرم با بافت، تناسب مواد و مصالح با بافت، تناسب نور و رنگ با بافت و حتی تناسب موضوع و محتوا با بافت، موجب می شود تا شخصیت و هویت مکان و فضا مورد قضاوت مخاطب قرار گیرد؛ چراکه شناسایی محیط در گرو ترکیبی همگن از بافت های مذکور است که در انطباق با هم می توانند بیانگر این تشخیص پذیری باشند. بدین جهت دو ویژگی مهم در کیفیت بخشی به ابعاد کالبدی و ادراکی بافت در دیوارنگاره ها را می بایست

یکی در هماهنگی دیوارنگاره با بافت محیط و دیگری را در شاخص سازی دیوارنگاره، متناسب با بافت امروزی در جهت ایجاد الگوهای جدید در زیبایی بخشی و معنا بخشی به منظر شهری جستجو نمود.

جدول ۳. تصاویری از بافت های مختلف آجرکاری در ترکیب خطوط و نقوش هندسی

			
بافت های مختلف آجرکاری و کاشی کاری با شیوه مشبک، مسجد جامع، دوره سلجوقی و صفوی	بافت های مختلف آجرکاری با کاشی و کاشی معرق مسجد حکیم، دوره صفویه و آل بویه		

منبع نگارندگان

جدول ۴. بهره مندی از پیش متن ها در جهت ایجاد بافتی هماهنگ با منظر شهری

قسمتی از دیوارنگاره ای با تکنیک ترکیبی آجر و سفال سنگ و آجر لعاب دار، ابعاد تقریبی ۴۰×۳ متر، خیابان آتشگاه، دوره کنونی

منبع نگارندگان

شاخصه های اصلی بافت دیوارنگاره ها در ابعاد کالبدی و ادراکی

شاخص سازی دیوارنگاره در بافت محیط

هماهنگی دیوارنگاره با بافت محیط

نمودار ۵. دو شاخصه اصلی بافت در ابعاد کالبدی و ادراکی دیوارنگاره، منبع نگارندگان

برای مثال در جدول ۵، دیوارنگاره ای در محدوده بافت تاریخی در دوره کنونی اجرا گردیده که بیانگر نقش پیش متن ها در رابطه با مکان و نحوه ادراک مخاطب می باشد. در این دیوارنگاره، تناسب فرم های آزاد و برگرفته از نقوش اسلیمی و سادگی و صراحت فرمی آنها با برش های نامنظم قطعات سنگ و کاشی و سفال، هماهنگی مناسب یافته است. این هماهنگی در مواد و مصالح با کلیت دیوارنگاره منجر به شاخص سازی دیوارنگاره از محیط پیرامونی شده و منظر شهری را تحت تاثیر قرار داده است. نکته قابل توجه در این شاخص سازی، نا هماهنگی ایجاد شده با موقعیت مکانی و بافتی تحمیلی به محیط پیرامونی است که در تداوم با فضای شهری قرار نمی گیرد. بنابراین یکی از تفاوت های این دسته از آثار با پیش متن ها، ارتباط ضعیف با کلیت محیط پیرامونی است؛ بطوری که امکان جابجایی آن در موقعیت های مکانی دیگر نیز میسر بوده و حضور آن وابسته به مکان خاصی نمی باشد. به موارد مذکور می توان عدم هماهنگی شکلی و کالبدی دیوارنگاره با عناصر موجود در محیط، همچون درختان و دیواره بناها، مسیر عبور و مرور و نحوه خوانش اثر را نیز اضافه نمود. در این ارتباط می توان به دیوارنگاره ای در روبروی این مکان اشاره نمود که منظره ای را در بافتی ناهماهنگ با دیواره و موقعیت مکانی در اجرایی بسیار خام دستانه نشان می دهد.

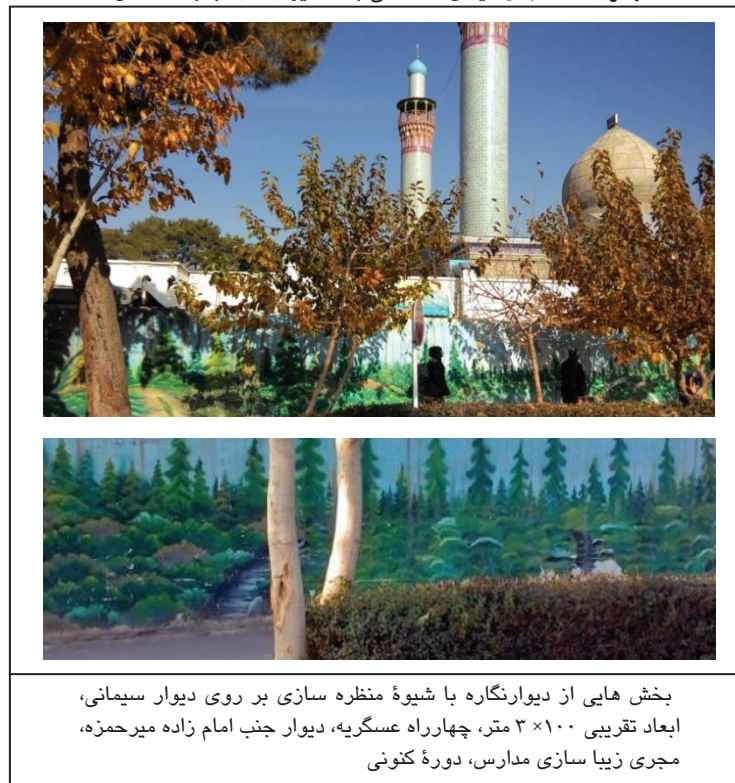
جدول ۵. سنجش میزان هماهنگی بافت دیوارنگاره با بافت مکان



منبع نگارندگان

قرارگیری این اثر در وسعتی در حدود صد متر در طول پیاده رو و در مجاورت با مکانی مذهبی از جمله عواملی است که بافتی ناهمگون را در منظر شهری با بافتی تاریخی موجب گردیده است. (جدول ۶)

جدول ۶. سنجش میزان هماهنگی بافت دیوارنگاره با بافت مکان



منبع نگارندگان

۳- شاخصه های سنخیت پذیری رنگ در دیوارنگاره ها

بهره مندی از عنصر رنگ در هنر دیوارنگاری با اقتباس از ویژگی های محیطی و پیش متن های موجود از جمله عوامل اصلی در ابعاد کالبدی و ادراکی است که همچون واسطی بیانگر ویژگی های کالبدی محیط در برانگیختن حس تعلق به مکان است. از این جهت چند شاخصه مهم در این رابطه بینامتنی را می توان مورد تاکید قرار داد که به گونه ای حسی در تداوم بخشی به هویت در منظر شهری نقشی موثر ایفا می نمایند.

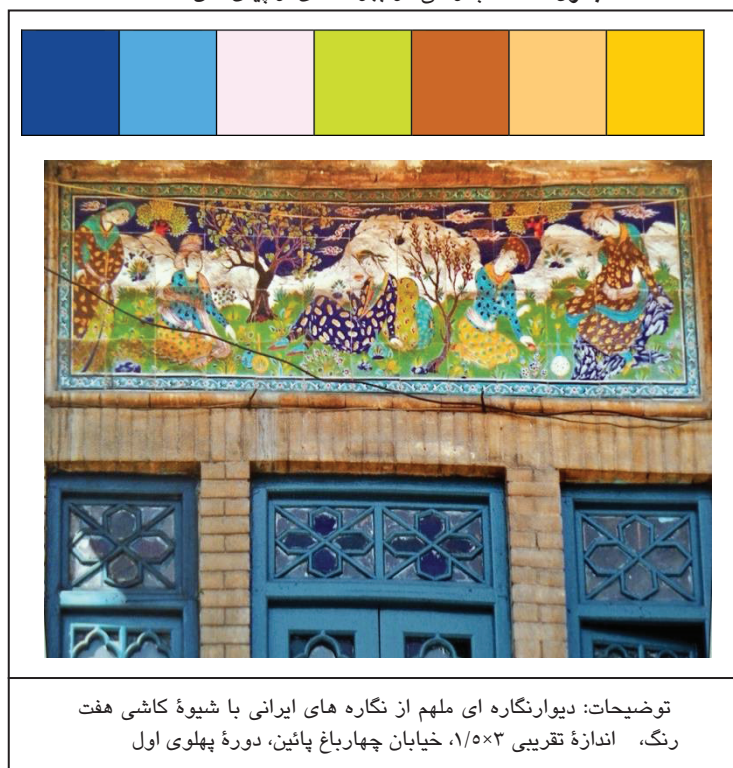
الف - همسان سازی فضای شهری با محیط پیرامونی

اولین شاخصه در دیوارنگاره ها ایجاد زمینه مناسبی در هماهنگی بخشیدن به رنگ شاخص در محیط پیرامونی و هماهنگی با موقعیت بافت تاریخی در شکل گیری منظر شهری است. یکی از خصوصیات کالبدی در محیط هایی با بافت تاریخی، ارتباط و هماهنگی بین طبیعت بیرونی با تک تک عناصر تشکیل دهنده آنست. تناسب بخشی در میزان استفاده از رنگ و حساسیت های ویژه در این خصوص، بافت های تاریخی را از یکدیگر متمایز نموده است؛ چراکه ادراک رنگ در چنین حوزه ای در ارتباط با متن گسترده تری همچون محیط شهری است که محیط طبیعی را نیز شامل می گردد. از این رو، هر بافت شهری دارای دایره رنگی متناسب با خصوصیات اقلیمی ویژه به خود است؛ بدین دلیل که تفوق رنگی در این دایره رنگ، بستگی تام به تفوق رنگی محیط پیرامونی دارد. بنابراین، یکی از دریافت های اصلی مخاطب در ارتباط با محیط پیرامونی، چیرگی رنگ شاخصی است که موجبات هماهنگی هرچه بیشتر را فراهم می آورد. از این جهت، اصل تباین و

تضاد رنگی و اصل وحدت و هارمونی رنگی در بافت های مختلف شهری برگرفته از رنگ محیط است که منجر به انتخاب های دیگری از رنگ در ایجاد هماهنگی با کلیه عناصر تشکیل دهنده آن می شود. در این صورت، رنگ شاخص در محیط دارای وزنی می گردد که دیگر رنگ ها به تناسب با آن سنجیده می شوند. بنابراین رنگ و دایره رنگی در دیوارنگاره، بستگی کاملی با رنگ شاخص در محیط دارد. از این منظر، دیوارنگاره ها هم وجهی مکمل و هم همسان ساز را در گستره فضای رنگی در محیط شهری ایفا می نمایند که این رابطه در توجه به پیش متن ها قابل حصول است.

ب- همسان سازی در تلطیف بخشی فضا

جدول ۷. تناسب رنگی در بهره مندی از پیش متن ها



منبع نگارندگان

دومین شاخصه های تاثیرگذار رنگ بر محیط، خصوصاً در دوره کنونی، تلطیف بخشی و تغییرات در چرخه رنگ در جهت آرام سازی فضای شهری است؛ به گونه ای که در گذشته نیز همواره یکی از شاخصه های آرایه ها و دیوارنگاره های شهری محسوب گردیده و در گذرهای عمومی برای ایجاد پیوستگی در فضا به شیوه های مختلف، موجبات حضور رنگ را فراهم می نمودند. طراحی عناصر و مبلمان های شهری همچون: سقاخانه ها، سردر مغازه ها، خانه ها، ورودی ها، بازارچه ها و ... جلگی محملی برای تصویرگری نقوش و اشکال با رنگهایی بوده است که هریک متناسب با موقعیت مکانی استفاده شده است. به بیانی دیگر رنگی که در قالب آجرهای سفالی و خشت های گلین و اندود کاهگل، تاثیر خود را در تلطیف بخشی به منظر شهری در طیفی از رنگ های مختلف نشان می داده وجهی از آن در ظواهر بیرونی و کالبدی خودنمایی کرده و صورتی دیگر از آن در ذهن مخاطب، موجبات ادراک محیط را تجسم گر بوده است؛ چراکه این

جلوه های عینی و ذهنی به مرور زمان تعادلی را در مخاطب به عنوان شهروند ایجاد می نماید که در ارتباط با محیط و عناصر تشکیل دهنده آن، چون دیوارنگاره ها و آرایه های رنگی، حسی از آرامش و تعلق خاطر را موجب می گردد. برای مثال رنگ آبی فیروزه ای و لاجوردی به عنوان رنگ شاخص در محیط و فضای شهری اصفهان هم به جهت ویژگی های کالبدی مکان و هم ویژگی های اقلیمی محیط در فرهنگ تصویری به نشانه ای شهری تبدیل گشته که تصویری تلطیف بخش و خاطره انگیز را در ذهن مخاطب ایجاد می نماید. به عبارتی این کیفیت بخشی رنگ در منظر شهری، منجر به ایجاد ارتباطی گردیده که حاصل شبکه ای از متن های به هم پیوسته است که در جدول ۷، می توان به انطباق طیف حاکم بر فضای رنگی دیوارنگاره در تلطیف بخشی و تداوم بخشی در پیش متن ها در منظر شهری پی برد.

ج- همسان سازی فضای شهری در تداوم حس مکان

سومین شاخصه کاربرد صحیح رنگ وحدت بخشی با دیگر عناصر شهری است که عناصر مصنوع را نیز در بر می گیرد. با بررسی پیش متن های رنگی در شیوه های متعدد در هنرهای سنتی، همچون دیوارنگاره ها، بدنه سازی ها و مبلمان های شهری در می یابیم که نسبتی متناسب بین این دسته از شیوه ها در زیبایی سازی فضاهای داخلی و خارجی در بافت تاریخی وجود داشته است. غالب این نمونه های پیش متنی در ارتباط با محیط پیرامونی، سعی در تناسب بخشی در میزان استفاده از رنگ را متناسب با ابعاد کالبدی و ادراکی داشته اند که در دوره های مختلف از تنوع قابل توجهی در این زمینه برخوردار بوده اند.

جدول ۸ عدم تناسب و کیفیت رنگی در بی توجهی به پیش متن ها و موقعیت مکانی



منبع نگارندگان

توضیحات: برای مثال رنگ شاخص فضاهای شهری در دوره سلجوقی در مقایسه با دوره های پس از آن چون صفویه، قاجاریه، پهلوی تا دوره کنونی بنا بر اقتضاعات کالبدی و ادراکی، بسیار متفاوت و چشم گیر است؛ بطوری که در شناسایی این دوره ها از یکدیگر هم در معماری و هم در ارتباط با هنرهای مرتبط با فضای شهری چون مجموعه دیوارنگاره ها با شیوه های مختلف هنرهای سنتی، رنگ و میزان حضور رنگ شاخص در این هنرها به عنوان یک شاخصه اصلی و تاثیرگذار در اثر بخشی به حس مکان مطرح بوده است. از این جهت رنگ های شاخص در بافت شهری اصفهان را می توان در طیفی از رنگ های آبی، آبی لاجوردی و فیروزه ای محسوب نمود که در کنار رنگ مکمل زرد، اکر و نارنجی تا قرمز اخرازی از سالهای گذشته تا کنون زینت بخش بناها و فضاهای شهری بوده است. این طیف رنگی پس از گذشت سالها، بدلیل درخشندگی رنگی در کیفیت بخشی به محیط، جذابیت و تاثیرگذاری اش را همچنان به عنوان رنگی شاخص در تزئین و زیباسازی عناصر شهری در تقویت بخشی به حس مکان حفظ نموده است. این در صورتی است که تصاویر ارائه شده در جدول ۸، نمونه ای دیوارنگاره ای را نشان می دهد که در مهرماه ۹۳ اجرا گردیده و در طی گذشت یک سال در اثر برخورد نور آفتاب و اثرات محیطی در نتیجه عدم پیش بینی لازم در ویژگی های کیفی مواد و مصالح به تدریج از کیفیت رنگی آن کاسته شده است. بنابراین با دیوارنگاره ای مواجه هستیم که علی رغم طراحی و اجرای خام دستانه با استفاده نابجا از رنگ های صنعتی در زمینه دیوار و بر روی حجم های کامپوزیتی فلزی و عدم توجه به قابلیت های رنگی در پیش متن های دیوارنگاری، موجبات گسست تصویری را در همجواری و هماهنگی با سایتی تاریخی باعث گردیده است.

نتیجه گیری

در این تحقیق، بنا بر تعاریف عناصر شهری، همچون دیوارنگاره ها که به رابطه عناصر شکلی و محتوایی در هویت بخشیدن به منظر شهری تاکید دارند با ارائه نمونه های موردی از پیش متن های دیوارنگاری در مجموعه بافت تاریخی اصفهان با رویکردی بینامتنی و با گرایش ترامتنی به نحوه سنخیت پذیری این دسته از آثار با موقعیت مکانی در سه عامل اصلی همچون شکل، بافت و رنگ پرداخته شده است. به همین جهت در پاسخ به سؤالات این تحقیق که به نقش عملکردی دیوارنگاره ها در هویت بخشی به منظر شهری از یک سو و مهمترین شاخصه های تاثیرگذار در رابطه ای بینامتنی از سوی دیگر نظر دارد؛ یافته های تحقیق بیانگر وجود تعارضاتی در ابعاد کالبدی و ادراکی این دسته از آثار در دوره کنونی است. تعارضاتی که به ایجاد ناهنجاری هایی، خصوصاً در ابعاد کالبدی، سبکی، تکنیکی و محتوایی در منظر شهری منجر گردیده که در این ارتباط می توان به عنوان نتیجه به مهم ترین موارد، اشاره نمود. ۱- مخدوش شدن عناصر و کیفیت های بصری در هویت بخشی به منظر شهری ۲- برهم خوردن نسبت درون مایه با مکان ۳- خنثی شدن جلوه های معنایی در درون مایه ۴- گسست در روابط بینامتنی - بینافرهنگی ۶- عدم انطباق سبکی و تکنیکی دیوارنگاره با مکان ۷- میدان خوانش محدود و وجود موانع بصری در رؤیت کامل ۸- ناهماهنگی با کاربری مکان ۹- ناهماهنگی با دیگر آثار در یک مجموعه واحد ۱۰- بی تناسبی ابعاد دیوارنگاره با کادر و دیوار ۱۱- گسست و توالی تصویری در فضا ۱۲- بی تناسبی در اجزاء ترکیب بندی در نسبت با موقعیت قرارگیری ۱۳- عدم تناسب متغیرهای تراکونگی در اقتباس از پیش متن ها ۱۴- عدم تناسب متغیرهای همانگونگی در مثنی سازی از پیش متن ها.

لازم به ذکر است در تکمیل این موضوع می توان با استفاده از تحقیقات میدانی و تنظیم پرسشنامه ها و مصاحبه هایی از گروه های سنی مختلف، آسیب های ذکر شده را در ابعاد اجتماعی نیز با تحلیل های آماری مورد سنجش و ارزیابی جداگانه قرار داد.

پی نوشت ها

۱- Transtextuality، ژنت در ترامنتیت پنج نوع رابطه را قائل است: بینامتنیت، پیرامنتیت، فرامنتیت، سرمنتیت و بیش‌منتیت که در میان این پنج رابطه، بینامتنیت و بیش‌منتیت بیش از همه مورد توجه محققان و منتقدان ادبی و هنری قرار گرفته‌اند، زیرا این دو نوع رابطه بیشتر با روابط میان متنی در حوزه ادبیات و هنر منطبق می‌شوند (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۴۳۳).

۲- Intertextuality، بر پایه اصل اساسی بینامتنیت، هیچ متنی بدون پیش متن نیست و متن ها همواره بر پایه متن های گذشته بنا می شوند(نامور مطلق، ۱۳۹۰، ۲۷).

۳- Hypertextuality، بنا به تعریف ژنت بیش منتیت یعنی: هر رابطه ای که باعث پیوند میان یک متن با یک متن پیشین باشد (Genette, 1997, 5).

4- Linch

5- Appleyard

6- Jacson

7- Vanchuri

8- Baranskill

9- Volph

10- Rapoport

11- Alman

12- Mour

13- Schulz

14- Whyte

15- Hees

16- Relph

۱۷- Transformation، تراگونگی دومین نوع از بیش منتیت که بخش هایی از بیش متن به صورت تقلیدی باقی مانده و بخش های دیگر آن به فراخور نظر مؤلف یا صاحب اثر با تغییراتی همراه است و به سه بخش شکلی، موضوعی و مضمونی تقسیم می شود (کنگرانی، ۱۳۸۸، ۵۸).

۱۸- Imitation، این نوع بیش منتیت بر اساس تقلید و کپی برداری می باشد و هنگامی ایجاد می شود که بیش متن بطور کامل از پیش متن برگرفته شده باشد و دخل و تصرفی در آن صورت نگرفته باشد (کنگرانی، ۱۳۸۸، ۵۸).

۱۹- آئین ستی: این دیوارنگاره به روایتی نشان دهنده مراسم آئینی است که شاهدختان هندی پس از فوت همسر، مختارانه به نشانه اثبات عشق و علاقه خود همراه جسد وی سوزانده می شدند. روایتی دیگر از این تصویر صحنه ای از مراسم عروسی (رضا قلی میرزا) فرزند نادر شاه با یک شاهزاده خانم هندی را نشان می دهد. (برگرفته از متن معرفی اثر در چهلستون)

فهرست منابع

- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۵)، سیمای شهر، آنچه کوین لینچ از آن می‌فهمید، نشریه آبادی، شماره ۵۳، ص ۲۵-۲۰، تهران.
- جوانی، اصغر (۱۳۹۱)، سنت ستی هند در دیوارنگاره کاخ چهلستون و مثنوی سوز و گداز، اصفهان، مجله علمی ترویجی پژوهش هنر، شماره سوم، ص ۱۰-۱، دانشگاه هنر اصفهان.
- حبیبی، سید محسن (۱۳۷۸)، فضای شهری حیات واقعه ای و خاطرات جمعی، مجله صفا، شماره ۲۸، ص ۲۸-۱۶، تهران.
- خدادادی، رضا (۱۳۹۲)، دیوارنگاری های شهر تهران: بایدها و نبایدها، معاونت برنامه ریزی و توسعه، سازمان

- زیباسازی شهر تهران (طرح پژوهشی).
- ساسانی، فرهاد (۱۳۹۰)، *مجموعه مقاله های هفتمین هم‌اندیشی نشانه شناسی مکان*، نشر سخن، تهران.
 - دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲)، *لغت‌نامه*، ناشر مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
 - ذکاوت، کامران (۱۳۸۵)، *چارچوب استراتژیک مدیریت بصری شهر*، *نشریه آبادی*، شماره ۵۳، ص ۳۴-۲۵، تهران.
 - علوی نژاد، سیدمحسن (۱۳۸۷)، *بررسی مفهوم دیوارنگاری در منابع هنر اسلامی*، *مجله نگره*، شماره ۷، ص ۴۲-۱۷، تهران.
 - فلاحت، محمد صادق (۱۳۸۵)، *مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن*، *نشریه هنرهای زیبا*، شماره ۲۶، ص ۶۶-۵۷، تهران.
 - کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، *عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ*، ترجمه حسن چاوشیان، انتشارات طرح نو، تهران.
 - کفشچیان مقدم، اصغر (۱۳۸۳)، *بررسی ویژگی های نقاشی دیواری*، *نشریه هنرهای زیبا*، شماره ۲۰، ص ۷۸-۶۷، تهران.
 - کفشچیان مقدم، اصغر (۱۳۹۳)، *مجموعه مقالات دیوارنگاری شهری*، ناشر هنر معماری قرن به سفارش سازمان زیباسازی شهر تهران.
 - کنگرانی، منیژه (۱۳۸۸)، *بیش‌متنیت روشی برای مطالعات تطبیقی هنر*، *مجموعه مقالات هنر تطبیقی*، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.
 - گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران.
 - معین، محمد (۱۳۷۱)، *فرهنگ فارسی*، انتشارات سپهر، چاپ هشتم، تهران.
 - عمادی، محمدرضا (۱۳۸۶)، *بررسی نقاشیهای دیواری و آثار حجمی در فضای تاریخی شهر اصفهان*، معاونت پژوهشی دانشگاه هنر اصفهان (طرح پژوهشی)
 - عمادی، محمدرضا و آشوری، محمدتقی و کفشچیان مقدم، اصغر (۱۳۹۴)، *میزان علاقمندی شهروندان اصفهانی در بکارگیری عناصر هنرهای سنتی در بدنه سازی های شهری با رویکرد تقویت حس مکان*، سومین کنگره بین المللی عمران، معماری و توسعه شهری، مجموعه الکترونیکی بر روی سی دی، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
 - نامورمطلق، بهمن (۱۳۹۰)، *درآمدی بر بینامتنیت*، انتشارات سخن، تهران.
 - نورونی، ستاره (۱۳۹۳)، *تأثیر اجتماعی نقاشی های دیواری در فضاهای شهری*، انتشارات میردشتی، تهران.
 - Carmona, Mathew. (2006). *Public Place Urban Spaces*. London: The Architectural Press Elsevier. Oxford.
 - Caves, (2005), *Encyclopedia of the city*, London, Routledge.
 - Genette, Gerand (1997). *Palimpsestes, Literature in the second degree*, chana Newman and claude doubling sky (trans), University of Nebraska Press, Lincoln NE and London.
 - Schulz, Christan Norberg (1975), "Meaning in Western Architecture", Praeger Publishers, New York.
 - Oxford Advanced Learner's Dictionary (2007), Oxford University Press.
 - Cuthbert, R. Alexander (2006). *The Form of Cities*, Black Well Publishing Australasia.